

بازگشت بزرگان موسیقی به جشنواره موسیقی فجر

فیروز گداز

جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر امسال ۳۷ ساله شد. جشنواره‌ای که طی دوره‌های برگزاری اش فراز و فرودهای بسیاری داشته و هر ساله بخش‌هایی به آن اضافه یا حذف شده است. طی سال‌های برگزاری، برخی هنرمندان در آن شرکت و برخی دیگر از حضور در آن امتناع کردند اما شاید یکی از مسائل پررنگ طی یک دهه اخیر جشنواره موسیقی فجر، عدم حضور بزرگان و پیشگوسوتان موسیقی در این رخداد مهم موسیقایی کشور باشد که این مسأله هم به شیوه برگزاری جشنواره و هم به شرایط هنرمندان برمی‌گردد اما امسال برگزار کنندگان جشنواره برای حضور بزرگان در جشنواره، بخشی را به یاد آنها برگزار کرده‌اند به طوری که از ۲۳ بهمن ماه سالن دهلوی میزبان تکنوازی و دونوازی هنرمندانی است که اجرایشان را به نام این هنرمندان برگزار می‌کنند. شب یوسف فروتن نوازنده تار و سه تار اولین برنامه از پروژه شب‌های هنرمندان در جشنواره بود که بانکنوازی امیر شریفی برگزار شد. یوسف فروتن که شاگردانی چون حسین علیزاده، داریوش طایی، پرویز مشکاتیان و داوود گنجی‌ای را تحویل جامعه موسیقی داده هم‌زمان با انقلاب اسلامی یعنی در سال ۱۳۵۷ در سن ۸۷ سالگی درگذشت و امسال بعد از گذشت ۴۳ سال نام او در جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر با اجرای امیر شریفی نوازنده تار دوباره زنده شد.

”

پل مستحکمی بین نسل گذشته و هنرمندان

و موسیقی ایرانی مهجورتر شده، بریایی چنین برنامه‌هایی جان تازه‌ای به موسیقی ایرانی می‌دهد و می‌تواند رابطی بین گذشته و حال و آینده باشد که این خود بسیار ارزشمند است. معتقدم جایگاه آقای کسایی فقط به عنوان یک موسیقیدان ایرانی نیست بلکه به عنوان یک انسان موفق و ایرانی موفق است. او یک نابغه بود که قطعات بزرگی را خلق کرد، با مردمش زیست و موسیقی‌هایی ساخت که ریشه مردمی داشتند و زندگی‌اش



دومین شب از شب‌های بزرگان موسیقی به حسن کسایی اختصاص داشت. نوازنده برجسته نی که نی‌نوازی امروز ایران مرهون تلاش‌های او است. زمان خیری نوازنده باسابقه نی که در این دوره از جشنواره با تکنوازی خود شب حسن کسایی را برگزار کرده، معتقد است که برگزاری این شب‌ها برگ زربنی برای موسیقی ایرانی خواهد بود. جایگاه آقای کسایی از دیرباز مشخص بوده و بعد از نسل‌ها هم مشخص خواهد بود.

تأثیر استاد کسایی در موسیقی ایرانی می‌گوید: نقش و جایگاه ایشان در موسیقی به قدری است که آثارشان تنها توسط نی نوازان اجرا نمی‌شود بلکه نوازندگان دیگر سازها نیز از آثار او بهره می‌برند و این نشان از آن دارد که استاد کسایی در موسیقی ایران جریان دارد. خیری بر این باور است که جایگاه استاد کسایی به صورت مستحکم در موسیقی ایران وجود دارد و برگزاری اجرایی به نام ایشان به نوعی ارج گذاشتن به این مقام است. او می‌گوید: من سال‌ها با آثار استاد کسایی زندگی کرده‌ام، نواختم و آموزش دادم و حالا می‌خواهم برنامه‌ای را برای ایشان اجرا کنم. معتقدم شعاع این برنامه به قدری وسیع است که مخاطبان زیادی را پوشش خواهد داد و این پل مستحکمی خواهد بود بین نسل گذشته و هنرمندان هنردوستانی که در حال حاضر هستند و در آینده هم خواهند بود.

این نوازنده نی در ادامه گفت: در روزهای کنونی که موسیقی پاپ و موسیقی‌های دیگر پررنگ‌تر

”

ادای دینی به استادان

امیدوارم روزی آیندگان هم بدانند که ما در چه دوره هنری زیسته‌ایم و چه مصایب و مشکلاتی را از سر گذرانده‌ایم. حسام اینانلو با اشاره به اینکه اساسا در طول تاریخ نام بزرگانی چون بهاری، شهنساز و بیگچه خانی جاودانه خواهد بود، می‌گوید: هر یک از این بزرگان مشعل روشنی بخش فرهنگ ایران زمین بوده‌اند، گرامیداشت نام هر یک از این استادان در هر دوره تاریخی یادآور استقامت و پایداری آنهاست و شاید نهیب می‌زند به ما که هنر در آشفته‌ترین روزهای ابتدال، ممکن است کمرنگ شود، ولی نمی‌میرد. در واقع یادآوری نام این استادان نور امید است برای تک تک هنرمندان در همه دوران.»

غلامحسین بیگچه خانی نوازنده برجسته تار و از استادان مکتب تبریز، چهره شاخص موسیقی است که آخرین شب جشنواره موسیقی فجر به نام او برگزار می‌شود.

در این شب قاسم رحیم زاده نوازنده تار و کامبیز گنجی‌ای نوازنده تنبک در قالب دونوازی اجرایشان را با نام این استاد بزرگ موسیقی برگزار می‌کنند. نام او به نوعی پایانی خوب برای اجراهای سی و هفتمین جشنواره موسیقی فجر است.

مرتضی اعیان

از هنرمندان قدیمی ساز تنبک است که شاید نامش کمتر به گوش رسیده باشد اما هنر نوازندگی‌اش ماندگار است و استادی صاحب سبک در این عرصه بوده است. این هنرمند سال ۱۳۲۵ در تهران در خانواده‌ای اهل هنر و موسیقی متولد شد و تشویق‌های برادرش موجب شد به نوازندگی تنبک روی بیاورد: «حدوداً ۱۱ سال داشتم، برادر بزرگم نوازنده ویولن بود و به من پیشنهاد کرد ساز تنبک را یاد بگیرم و در کنار یکدیگر ساز بنوازیم. من هم از این پیشنهاد بسیار خوشحال شدم و قبول کردم و برای من معلم گرفتند. اولین استادم شادروان حسین خرسندی بود یک سال نزد ایشان درس گرفتم و استاد دیگر امیرناصر افتتاح و یکسال هم نزد ایشان تنبک نوازی آموختم و البته به همراه آقای افتتاح به یک برنامه رادیویی مخصوص کودکان رفتم و چند جلسه‌ای برای تمرین در این برنامه شرکت کردم و با آن گروه تنبک نوازی می‌کردم. چون مسیر رفت و آمد برایم مشکل بود از ادامه حضور در این برنامه کناره‌گیری و عذرخواهی کردم. روزها به تمرینات خانگی مشغول بودم و چند سالی گذشت و انگیزه‌ای برای نواختن ساز نداشتم و احساس می‌کردم با این تمرینات به یک روند تکراری رسیده‌ام و تصمیم گرفتم سازم را کنار بگذارم تا آنکه بعد چندسال با واسطه آشنایی برادرم با آقای رضوی سروستانی آشنا شدم و آقای رضوی از من خواست به مرکز حفظ و اشاعه موسیقی بروم و با دیگر اعضا و هنرمندان این مرکز همکاری کنم. اما در پاسخ به ایشان گفتم سال‌های بسیاری است که ساز نمی‌نوازم و چندان علاقه‌ای به کار کردن ندارم تا آنکه با اصرار آقای رضوی چند روز بعد به آدرسی که داده بود رفتم و با هم‌راهی او، نزد آقای دکتر داریوش صفوت رفتم. ایشان من را معرفی کردند و صحبت کوتاهی در خصوص آموزش‌هایی که در این زمینه داشتم انجام شد و بعد از آن این ارتباط و آشنایی ادامه پیدا کرد.»

مرتضی اعیان در مدت حضورش در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ایران با افرادی چون حسین مرتضی‌زاده، جلال ذوالفنون، داوود گنجی‌ای، داریوش طلائی، محمد مقدسی، خانم مانی زاده و رضوی سروستانی همکاری کرد و آلبوم‌های بسیاری در این زمینه تولید و منتشر شد؛ مانند کارهایی که با خانم پریسا و آقای رضوی سروستانی ضبط گردید یا آلبوم «حصار» یا «سواران دشت امید» اثر حسین علیزاده که با گروه چاووش و در رادیو ضبط شد و همچنین اثر معروف «مال کنون» به آهنگسازی عطاالله جنگوک و با صدای مسعود یختیاری که بسیار زیبا است: «زمانی که در مرکز حفظ و اشاعه بودم به غیر از من آقایان ناصر فرهنگ فر، بهمن رحیمی و محمود فرهنگ هم در این مرکز فعالیت داشتند و بعد از مدتی آقای محبی هم به این مرکز آمد. نحوه اجرای نوازنده‌ها و اخلاق و رفتارشان با گروه را مسئولان گروه در نظر می‌گرفتند و فردی را انتخاب می‌کردند که به لحاظ اجرایی و اخلاقی با گروه هماهنگی داشته باشد و البته در دیگر سازها هم این نگاه وجود داشت.»

او همچنین با موسیقی‌دانان مختلف مانند محمدرضا شجریان، رضوی سروستانی، جلال ذوالفنون، محمدعلی کیانی نژاد، داریوش طلائی، داریوش پیرنیاکان، حسین عمومی، حمید متسیم،

مجید درخشانی، رضا شفیعیان، جمشید عبدلیبی و... کنسرت‌های متعددی در کشورهای مختلف اجرا کرده و در آن روزگار با اعضای گروه موسیقی چاووش هم همکاری داشته است: «آقای علیزاده و لطفی اکثراً مرکز بودند و بعد از مشکل کوتاهی که بین دوستان در مرکز و آقای دکتر صفوت پیش آمد تعدادی از این دوستان از مرکز بیرون رفتند و گروه چاووش را تشکیل دادند مانند آقایان لطفی، مشکاتیان، شکارچی، فرهنگ فر، حسین علیزاده و به اتفاق برادران کامکار و در آنجا فعالیت داشتم و البته بعد از مدتی دوباره این دوستان به مرکز حفظ و اشاعه موسیقی بازگشتند.»

او درباره جشنواره موسیقی فجر می‌گوید: «در هیچ سال و دوره‌ای در این جشنواره نبودم. در واقع دعوتی صورت نگرفته است، هر چند شاید دیدگاه‌ها تغییر کرده باشد و نسل امروز نگاهشان به موسیقی تغییر پیدا کرده و کمتر توجهی به آثار و خود پیشگوسوتان می‌شود و امسال هم به همت برخی دوستان این دعوت و بزرگداشت شکل گرفت. نمی‌دانم برنامه‌ریزی به چه صورت است اما بهتر است نام و یادی از هنرمندان قدیمی داشته باشند.»



عکس: رضا صفویان

” زندگی هنری من به سه فصل تقسیم می‌شود

اغلب از کشورهای شرقی بود. اولین استاد هارپ من آمریکایی بود و دومین استاد آلمانی و سومین استادم پروفیسور «آرناودا» از بلغارستان بود که شناخت بسیار خوبی از این ساز داشت. نکته مهم این است در حال حاضر کم و بیش ساز هارپ در آموزشگاه‌های موسیقی تدریس می‌شود. اما معلمان آن تخصص کافی در این زمینه ندارند و این روش درستی نیست و نباید به خاطر مادیات مسیر اشتباهی را در هنر انتخاب کنند و هر فرد بی‌تجربه‌ای خود را معلم و استاد معرفی کند.»

او ۳۵ سال در ارکستر سمفونیک تهران فعالیت داشته و ساز هارپ می‌نواخته، دورانی که فرهاد مشکات رهبری این ارکستر را برعهده داشت. آرنوش معتقد است ساز هارپ لازمه ارکستر سمفونیک است اما کمتر آهنگساز به آن توجه می‌کند و تأکید دارد انتخاب این ساز برای ارکستر بنا به انتخاب و سلیقه آهنگساز و البته شناخت خوبی که به لحاظ سازشناسی دارند است: «سال‌ها در این ارکستر ساز نواختم تا بازنشسته شدم. در واقع زندگی هنری من به سه فصل تقسیم می‌شود: فصل اول یادگیری و آموزش، فصل دوم نوازندگی و فصل سوم از بعد از بازنشستگی شروع شد که به تدریس این ساز مشغول شدم تا بعد از من جایگزینی برای نوازندگی آن وجود داشته باشد.»

این موسیقیدان علاوه بر نوازندگی مدتی ریاست هنرستان ملی موسیقی دختران را برعهده داشت و در آن روزگار هدفش تربیت نوازنده‌هایی خوب در عرصه موسیقی کشورش بود: «معتقدم پایه‌ریزی هنر باید به صورت اساسی و با بهترین شکل انجام بگیرد و بهترین استادان در این زمینه حضور داشته باشند در غیر این صورت «تا نریا می‌رود دیوار کج» و ترمیم و اصلاح آن، مشکل و زمان بر خواهد بود.»

صدرسالک همسر مجید انتظامی است و آشنایی او با این آهنگساز به دوران آموزش و تحصیلش در هنرستان موسیقی برمی‌گردد و سال‌ها بعد در آثار «سوئیت سمفونی انقلاب، سمفونی کارون، سمفونی ایثار، سمفونی پیروزی و سمفونی مقاومت با انتظامی همکاری و اجرا داشته و نوای زیبایی این ساز در این آثار به خوبی شنیده می‌شود.



معانی. تصنیف «شورانگیز» با صدای محمد معتمدی و... البته پیشنهادهای دیگری هم مطرح شد.» قرار است در مراسم اختتامیه جشنواره موسیقی فجر از آرنوش صدسالک

سه اجرا سهم بانوان از جشنواره سی و هفتم



گروه ستاره قطبی

بهاره ایلیچی نوازنده پیانو و هارپ فعالیت می‌کند، اجرای آثاری به زبان‌های مختلف را شیوه کاری خود قرار داده است به طوری که در اجرایشان در جشنواره نیز سه خواننده در گروه همچون مازیار فلاچی را داشته، گروهش یعنی ستاره قطبی را تنها گروه پاپ بانوان می‌داند که در حال حاضر فعال است.

گروه نومه دیگر گروه بانوان است که در جشنواره موسیقی سی و هفتم به روی صحنه رفته است. این گروه که به همت نوشا بریمانی نوازنده

بهاره ایلیچی نوازنده پیانو و هارپ فعالیت می‌کند، اجرای آثاری به زبان‌های مختلف را شیوه کاری خود قرار داده است به طوری که در اجرایشان در جشنواره نیز سه خواننده در گروه همچون مازیار فلاچی را داشته، گروهش یعنی ستاره قطبی را تنها گروه پاپ بانوان می‌داند که در حال حاضر فعال است.

گروه نومه دیگر گروه بانوان است که در جشنواره موسیقی سی و هفتم به روی صحنه رفته است. این گروه که به همت نوشا بریمانی نوازنده

شد تا گروه‌های بانوان بخشی را در جشنواره موسیقی فجر به خود اختصاص دهند. اما از همان زمان تاکنون به مرور سهم گروه‌های بانوان کمتر و کمتر شده تا به امروز که در جدول اجراهای جشنواره تنها نام سه گروه در بخش ویژه بانوان به چشم می‌خورد.

گروه ستاره قطبی یکی از سه گروهی است که امسال در جشنواره سی و هفتم موسیقی فجر اجرایش را در فرهنگسرای نیاوران به روی صحنه برده است. این گروه که سال‌هاست به سرپرستی

سی و هفتمین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر در حالی در ۶ تالار شهر تهران کار خودش را آغاز کرده که سهم بانوان از ۶۹ اجرای جشنواره تنها سه اجراست. کم شدن حضور بانوان در جشنواره‌ای که تنها جشنواره بین‌المللی موسیقی در ایران محسوب می‌شود، مختص این دوره نیست طی یک دهه اخیر گروه‌های موسیقی بانوان همیشه کمترین سهم را در جدول اجراهای جشنواره‌های موسیقی فجر داشتند.

■ جشنواره‌ای برای گل‌پایس

دهه ۸۰ در کنار جشنواره موسیقی فجر، جشنواره‌ای با عنوان «گل‌پایس» برگزار می‌شد که این جشنواره موسیقی فقط مختص گروه‌های موسیقی بانوان بود که اجراهایشان را در تالار وحدت برگزار می‌کردند. این جشنواره چندین دوره برگزار شد اما به پیشنهاد محمدحسین احمدی مدیرکل وقت دفتر موسیقی ارشاد این جشنواره برای ادغام با جشنواره موسیقی فجر برای همیشه تعطیل